

عنوان مقاله:

هستی‌شناسی رهیافت سازه‌انگاری و بازخوانی چشم‌اندازهای تحلیلی آن: دیرینه‌شناسی مناظره‌های فکری

محل انتشار:

فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، دوره 21، شماره 83 (سال: 1394)

تعداد صفحات اصل مقاله: 30

نویسندگان:

علی‌اشرف نظری - دانشیار علوم سیاسی دانشگاه تهران

علیرضا صحرایی - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران

خلاصه مقاله:

یکی از رهیافت‌های جوان و بدیع در حوزه روش‌شناسی‌های جدید، رهیافت سازه‌انگاری است. طی پنجاه سال گذشته سه رهیافت بر رشته روابط بین‌الملل غالب بوده است: نخست، رهیافت لیبرالیسم و رئالیسم (که در منازعه نئولیبرالیسم و نئورئالیسمت‌ها بررسی می‌شود) و با عنوان نظریه‌های عقلانیت‌گرا معروف هستند؛ دوم، نظریه‌های هنجاری، فمینیستی، جامعه‌شناختی که به نظریه‌های بازتابی یا بازتابی معروف می‌باشند؛ سوم، سازه‌انگاری اجتماعی که تلاشی برای پر کردن شکاف میان دو رهیافت قبلی است؛ رویکردی که درصدد اخذ مفروضات خود از بین عقلانیت‌گرایی و انعکاس‌گرایی است. این رهیافت به عنوان یک روش فرایوزیتویستی به مثابه تلاشی عمیق در حوزه فرآنظری (هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی) محسوب می‌شود، زیرا از حیث هستی‌شناسی، از ایدئالیسم درمقابل ماتریالیسم و از ذهنیت‌گرایی درمقابل عینیت‌گرایی دفاع می‌کند. مقاله حاضر تلاش می‌کند تا به این پرسش‌ها پاسخ دهد: (۱) چه روابطی بین یک جامعه یا ساختار اجتماعی و شناخت وجود دارد؟ (۲) آیا جامعه بر علم تاثیر می‌گذارد یا کم و بیش تاثیر دانش بر دانش فرهنگ بیشتر است؟ (۳) کدام نیروی اجتماعی، دانش را تولید و بازتولید می‌کند و چه نوع از تجزیه و تحلیل اجتماعی این نیروهای اجتماعی را آشکار می‌کند؟ و (۴) تاثیر رهیافت سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل چگونه و در چه ابعادی است؟

کلمات کلیدی:

سازه‌انگاری، روابط بین‌الملل، سیاست خارجی، نظریه‌های عقلانیت‌گرا، نظریه‌های انعکاسی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1298787>

